



سربازان آمریکایی در جریان عملیات نظامی در شرق اوکراین.

جمعی اروپا تا حد زیادی توسط روابط اروپا با آمریکا تبیین می‌شود و اساساً اروپایی‌ها دنیایی را پذیرفته‌اند که در آن آمریکا امنیت کشورهای اروپایی را تأمین می‌کند و اروپایی‌ها اساساً همان کاری را انجام می‌دهند که ایالات متحده از آنها می‌خواهد تا در حوزه سیاست خارجی انجام دهند. بنابراین وقتی درمورد این مفهوم از اروپا صحبت می‌کنید، درک این موضوع بسیار مهم است که اروپا سیاست خارجی مستقلی ندارد

جمعیتی اروپا تا حد زیادی توسط روابط اروپا با آمریکا تبیین می‌شود و اساساً اروپایی‌ها دنیایی را پذیرفته‌اند که در آن آمریکا امنیت کشورهای اروپایی را تأمین می‌کند و اروپایی‌ها اساساً همان کاری را انجام می‌دهند که ایالات متحده از آنها می‌خواهد تا در حوزه سیاست خارجی انجام دهند. بنابراین وقتی درمورد این مفهوم از اروپا صحبت می‌کنید، درک این موضوع بسیار مهم است که اروپا سیاست خارجی مستقلی ندارد

که بخشی از آن به این دلیل است که اروپا از کشورهای مستقل تشکیل شده است، اما مهم‌تر از آن، اروپا سیاست خارجی مستقلی ندارد، زیرا به ایالات متحده وابسته است و ایالات متحده امنیت اروپا را عمدتاً از طریق ناتو تأمین می‌کند .

در حالت ایده‌آل، اگراروپا شروع به تشکیل سیاست خارجی خود کند، یعنی حتی بدون آمریکا،



چهارچوب واقع‌گرای

من بر

دولت‌ها

متمرکز

است و

استدلال

می‌کند که

دولت‌ها

بازیگران

اصلی

سیستم

هستند و

هیچ‌شکی

وجود ندارد

که دولت‌ها

می‌توانند

گردهم‌آیند

و می‌توانند

نهادهایی

مانند

اتحادیه

اروپا یا ناتو

را تشکیل

دهند و این

نهادها برای

سیاست

خارجی آنها

بسیار مهم

هستند

بدون ایالات متحده موفق نمی‌شود. ایالات متحده از جنبه‌های بسیار مهمی مانند جسبی است که اروپا را در کنار هم نگه می‌دارد، اکثر مردم این را نمی‌دانند. اما اگر ایالات متحده را از اروپا خارج کردید، فرض کنید ما به ناتو پایان دادیم، دیگر ناتو وجود ندارد، دیگر تعهد نظامی آمریکا به اروپا وجود ندارد و اروپایی‌ها مسئول تأمین امنیت کشورهای خود خواهند بود. مثلاً مانند آلمان؛ این کشور باید امنیت خود را تأمین کند، زیرا ایالات متحده آمریکا با چتر امنیتی خود بر سر آلمان نخواهد بود و اگر آلمان برای خود امنیت ایجاد کند، هلند را خیلی خوشحال نمی‌کند، فرانسه یا لهستان را هم خیلی خوشحال نمی‌کند، بنابراین وضعیت خوبی نخواهد بود و البته به همین دلیل اروپایی‌ها ایده حضور ایالات متحده در اروپا را دوست دارند، به همین دلیل است که کشورهای اروپایی ناتو را دوست دارند، زیرا چتر امنیتی آمریکا مانع از رقابت کشورهای اروپایی با یکدیگر برای امنیت می‌شود و آنها می‌توانند در عوض روی ثروتمند شدن تمرکز کنند، زیرا امریکایی‌ها امنیت را تأمین می‌کنند، اما مشکل دقیقاً همینجاست. همان‌طور که قبلاً

گفتم، این است که پس از آن اروپایی‌ها تبدیل به کسانی شدند که وابسته به ایالات متحده هستند و کارهایی را انجام می‌دهند که امریکایی‌ها از آنان می‌خواهند. به هر حال، گسترش ناتو به اوکراین نمونه کاملی از این موضوع است، زمانی که این تصمیم در آوریل ۲۰۰۸ اتخاذ شد آنکلا مرکل و سارگوزی که در آن زمان رئیس‌جمهور فرانسه بود، مخالف گسترش ناتو به اوکراین بودند و معتقد بودند که این امر منجر به فاجعه خواهد بود که البته درست هم بود. امریکایی‌ها اصرار داشتند که ناتو در اوکراین گسترش یابد، اروپایی‌ها تقریباً همگی در این مسأله تسلیم آمریکا شدند و نتیجه نهایی این است که ما امروز این فاجعه را داریم، بنابراین اگر اروپایی‌ها مجموعاً قدرتمندتر بودند، می‌توانستند در برابر آن بایستند.

گسترش ناتو به اوکراین نمونه کاملی از این موضوع است، زمانی که این تصمیم در آوریل ۲۰۰۸ اتخاذ شد آنکلا مرکل و سارگوزی که در آن زمان رئیس‌جمهور فرانسه بود، مخالف گسترش ناتو به اوکراین بودند و معتقد بودند که این امر منجر به فاجعه خواهد بود که البته درست هم بود. امریکایی‌ها اصرار داشتند که ناتو در اوکراین گسترش یابد، اروپایی‌ها تقریباً همگی در این مسأله تسلیم آمریکا شدند و نتیجه نهایی این است که ما امروز این فاجعه را داریم، بنابراین اگر اروپایی‌ها مجموعاً قدرتمندتر بودند، می‌توانستند در برابر آن بایستند.

بنابراین شما معتقدید که اروپا باید به قدری قوی باشد که بتواند سیاست خارجی خودش را تبیین کند بدون اینکه از آمریکا انتظار داشته باشد که امنیتش را حفظ کند. اما این بدان معناست که ما باید بیشتر متحد شویم و این خیلی سخت است چون که تفاوت‌های زیادی در اروپا از نظر فرهنگی، از نظر زبانی و از نظر اقتصادی وجود دارد. با این شرایط آیا حتی امکان تبدیل شدن به این اروپای متحد قوی وجود دارد؟

من کاملاً با آنچه شما می‌گویید موافقم. همان‌طور که قبلاً به آن اشاره کردم، اگر اروپایی‌ها، امریکایی‌ها را کنار بزنند و سعی کنند تا سیاست خارجی خودشان را توسعه دهند که آن را اینجا یک سیاست خارجی اروپایی می‌نامیم، اتفاقی که می‌افتد این است که اروپا از هم خواهد پاشید، چون هر کشوری سعی خواهد داشت تا سیاست خارجی مختص خودش را تدوین کند. بنابراین اروپایی‌ها در این وضعیت وحشتناک قرار دارند که در آن باید اساساً از دستورات ایالات متحده پیروی کنند تا بتوانند آمریکا را در اروپا نگه دارند.

خب با توجه به وضعیت کنونی اوکراین، نظرشما درمورد اینکه اروپا بخواهد ناتو را کنار بگذارد و از امریکا تبعیت نکند چیست؟ چون که ادامه روند کنونی ممکن است به ویرانی قاره اروپا منجر شود.

من معتقد نیستم که جدا شدن از ایالات متحده به نفع اروپا باشد. به نظر من، کشورهای اروپایی علاقه عمیقی به نگه‌داشتن چتر امنیتی آمریکا بالای سر خود دارند، اما در عین حال فکر می‌کنم اروپایی‌ها باید به سمت دیگری حرکت کنند، یعنی زمانی که امریکایی‌ها ایده‌های احمقانه خودشان را استراتژیک می‌خوانند، باید برای به عقب راندن امریکایی‌ها از این تصمیمات، اقدام نمایند .

اروپایی‌ها می‌توانستند مانع جنگ اوکراین شوند یا حتی بعد از آغاز بلافاصله آمریکا را به عقب‌نشینی از سیاست خود در این منطقه وادار کنند، ولی اروپایی‌ها مانع نشدند، اروپایی‌ها از آمریکا تبعیت کردند و نتیجه نهایی این است که روس‌ها در اوکراین پیروز خواهند شد و این عواقب واقعاً منفی برای ناتو و به‌طور کلی برای اروپا خواهد داشت. واقعیت این است که ناتو در اوکراین اعتبار خود را به خطر انداخته است.

به نظر شما پیامدهای پیروزی روسیه در اوکراین چه خواهد بود؟

اگر روس‌ها پیروز شوند و اوکراین شکست بخورد، این یک شکست ویرانگر برای ناتو خواهد بود و اتحاد کشورهای عضو ناتو و اروپا را تضعیف می‌کند. همان‌طور که کمی قبل در مورد آن صحبت کردیم، اختلافات مهم و خطوط شکست در داخل اروپا وجود دارد. به عنوان مثال فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها امروز به دلیل صحبت‌های ماکرون در مورد استقرار نیروهای فرانسوی در اوکراین با یکدیگر مشکل دارند و آلمانی‌ها از اظهارات او خشمگین شدند. شما در اروپا انواع و اقسام شکاف‌های سیاسی را دارید.

ویژه

مجارستان مثال دیگری است؛ ویکتور اوربان به روشی صحبت می‌کند که بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر را عصبانی می‌کند. ناتو در اوکراین دچار یک شکست تحقیرآمیز می‌شود، این شکاف‌ها تشدید می‌شود و علاوه بر این، اروپایی‌ها شروع به زیر سؤال بردن روابط ترانس آتلانتیک خواهند کرد و استراتژی آمریکا را زیر سؤال خواهند برد. اگر روسیه در اوکراین پیروز شود، قطعاً به کشورهای دیگر هم حمله خواهد کرد و این نتیجه حمایت آمریکا از اوکراین است.

در حال حاضر مردم بر این باورند که روس‌ها دومین حضور اتحاد جماهیر شوروی یا دومین حضور آلمان نازی در جهان هستند و اگر جلوی آنها را در اوکراین نگیریم، بزودی تمام اروپای شرقی و سپس مرکز را فتح خواهند کرد. ولی این فکر بیوهوده است. روس‌ها توانایی نظامی یا علاقه‌ای به فتح تمام اوکراین ندارند چه برسد به اینکه به بقیه کشورها حمله کنند.

آیا روسیه می‌تواند تبدیل به هژمونی منطقه‌ای شود؟

من معتقدم روسیه آرزو دارد که در چنین موقعیتی قرار بگیرد، اما هیچ یک از این کشورها توانایی این را ندارند که یک هژمون منطقه‌ای باشند. روسیه قصد ندارد سرزمینی را در اروپا فتح کند تا به یک هژمون منطقه‌ای تبدیل شود، چون اون توانایی را ندارد. صحبت در مورد احتمال حمله به کشوری دیگر هم منفی است. اگر روس‌ها به کشورهای بالتیک حمله کنند، اینها لیتوانی یا استونی هستند. حمله به یک کشور عضو ناتو چیزی نیست که روسیه دنبال آن باشد. حمله روس‌ها به چنین کشورهایی به احتمال زیاد به جنگ با ایالات متحده و به‌طور کلی با ناتو ختم خواهد شد. روس‌ها در درجه اول می‌خواستند اطمینان حاصل کنند که اوکراین بخشی از ناتو نمی‌شود.

با توجه به این مطالب، آیا دستیابی هلند به سلاح هسته‌ای می‌تواند عامل بازدارنده‌ای در منطقه برای روسیه و دیگر کشورها باشد؟

به نظر من هیچ تهدید جدی برای هلند وجود ندارد که بخواهد دستیابی به سلاح هسته‌ای را در این کشور توجیه کند. تنها تهدید واقعی برای هلند، سیاست خارجی احمقانه‌ای است که هلند دنبال می‌کند و این تا حد زیادی به این دلیل است که هلند بخشی از اتحادیه اروپاست و بخشی از ناتوست و هلند به آن ملحق شده است. از طرفی اگر هلند به تلاش

بر آن سران کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) احتمالاً که ۹ تا ۱۱ جولای (۱۹ تا ۲۱ تیر) برگزار می‌شود، موافقت خواهند کرد که دیگری مستقیم در جنگ اوکراین را کنار بگذارند.

آن‌گونه که در پیش‌نویس این نشست آمده، سران ناتو در نشست آتی خود در ماه جولای احتمالاً به چهارچوب



فرمول «نه به اعزام نیروی نظامی» به اوکراین دست خواهند یافت. به گفته مقامات، در این گزارش آمده یکی از بندهای اساسی که در سند پیش‌نویس این نشست آمده این است که ناتو «هیچ سربازی را به جنگ اعزام نخواهد کرد». نکته جالب توجه دیگر آنجاست که رهبران کشورهای عضو ناتو همچنین در حال برنامه‌ریزی در این نشست هستند تا ریاست گروه تماس مربوط به دفاع از اوکراین را

از وزیر دفاع آمریکا به‌مه ناتو در بروکسل منتقل کنند.

با وجود آنکه نشست خرداد ماه در سوئیس با عنوان «دستیابی به راه‌حلی برای صلح در اوکراین و همچنین نشست تیرماه ناتو در واشنگتن، محوریت خود را روی عدم اعزام نیروی رسمی از سوی ناتو یا دیگر کشورهای ضو به این جنگ متمرکز کرده‌اند، اما اکنون موضوع بسته‌های تحریمی پی در پی غرب در برابر روسیه و همچنین تداوم و تشدید کمک‌های فضایی را به وجود آورده که روسیه هم به‌دنبال تعمیق هرچه بیشتر مناسبات با همیمانان خود است تا بتواند جبهه‌اش را در مقابل غرب تقویت کند که سفر هفته گذشته

ولادیمیر پوتین به چین مؤید آن است. در خلاً ارسال کمک‌های مالی و تسلیحاتی آمریکا به‌دلیل درگیری در مجلس نمایندگان و مجلس سنا، طی هفته‌های اخیر روسیه فرصت مفتضی را برای تغییر معادلات جنگ به نفع خود پیدا کرد و اکنون با ازسب‌گیری حمایت‌های غرب امکان تشدید درگیری‌ها وجود دارد. با در نظر گرفتن این نکته و در حالی که ایالات متحده دلایل موجهی برای اجتناب از رویارویی مستقیم با روسیه دارد، حمایت از اوکراین باید اولویت اصلی سیاست خارجی این کشور باشد. در این میان اوکرائنی‌ها صرفاً به‌دنبال ابزاری برای دفاع از خود هستند. لذا به نظر می‌رسد که استراتژی فرسایشی کردن جنگ اوکراین گماکان در دستور غرب است، بدون آنکه موضوع اعزام نیروی رسمی به این جنگ یا دیگری مستقیم با روس‌ها در دستور کار غرب، ناتو یا ایالات متحده باشد.

نگاهی به وزن کشی‌های غرب و شرق در جنگ اوکراین

گزارش

حسین فاطمی

خبرنگار

در حالی ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه دوره ۶ ساله ریاست‌جمهوری خود را به تازگی آغاز کرده که با سفرش به چین به‌دنبال تعمیق مناسبات با رهبردی‌ترین متحد خود است. در این بین برخی از ارزیابی‌ها حکایت از نگاه جدیدی به پکن برای تعمیق هرچه بیشتر مناسبات نظامی و امنیتی و دفاعی در جهت تغییر معادلات جنگ اوکراین دارد. در مقابل هم نهایتاً دولت بایدن با وجود مخالفت‌های جمهوری‌خواهان بسته حمایتی خود را از کی‌یف آماده کرد که در نشست وزرای امور خارجه ایالات

متحده و اوکراین از آن رونمایی شد. این در حالی است که کشورهایمانند فرانسه و لیتوانی هم خبر از احتمال اعزام نیرو به جنگ اوکراین داده‌اند. مجموعه این اخبار و تحولات حکایت از آن دارد که جنگ اوکراین کماکان یک جنگ فرسایشی است و به این زودی‌ها خبری از فروکش کردن درگیری‌ها نیست و هرچه جلوتر می‌رویم، معادلات این جنگ پیچیده‌تر و در عین حال بفرنج‌تر از گذشته جلوه می‌کند.

در این بین موضوع کلیدی که می‌تواند تحولات جنگ اوکراین را به نقطه عطف خود نزدیک کند،

موضوع اعزام نیروهایی از دیگر کشورهای هم‌حزب است. هر چند به‌صورت جسته و گریخته و همچنین طبق اخبار و گزارش‌های واسله،

نیروهایی از ملیت‌های دیگر به نام ارتش اوکراین در مقابل روسیه مبارزه می‌کنند. اما موضع‌گیری جدید پاریس می‌تواند در صورت عملیاتی شدن، شرایط جنگ اوکراین را به یک تعمیق‌دهندگی برساند که نتیجه آن، گسترش جنگ در کل قاره سبز خواهد بود. به باور تحلیلگران، اگرچه به واسطه شرایط جغرافیایی، کشور فرانسه در سایه فاصله زیادی که با روسیه دارد، صدمه‌ای از جنگ فراگیر نبیند، ولی در یک سناریوی احتمالی باید این احتمال را ولو به‌صورت اندک مطرح کرد که در صورت ورود رسمی نیروهایی از فرانسه، لیتوانی یا هر کشور دیگری به جنگ اوکراین، زمینه فشار لازم برای برخورد احتمالی روسیه با بعضی کشورهای کوچکتر عضو ناتو همچون لهستان و کشورهای بالتیک با مزاحمت‌های موردی و به خطر انداختن امنیت آنها فراهم شود.

خطر در برابر خواست جمعی؟

امانوئل مکرון، رئیس‌جمهور فرانسه در ماه فوریه گفت که رهبران و سران غربی در حال گفت‌وگو در مورد امکان اعزام نیرو به اوکراین هستند. او اذعان داشت که هنوز اجماع حاصل نشده است، اما به گفته وی، «هیچ چیزی را نمی‌توان رد کرد.» در مقابل پئس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو اعلام کرد که این ائتلاف نظامی هیچ برنامه‌ای برای اعزام نیروهای نظامی به اوکراین ندارد. اما برخی از اعضای ناتو مشاوران نظامی را به کی‌یف اعزام کردند.

با در نظر گرفتن آنچه گفته شد برخی سناریوها هم احتمال از آن دارد که موضوع‌گیری امانوئل مکرون یا برخی کشورهای دیگر دال بر اعزام نیرو،

نشست دعوت نشده و دیپلمات‌ها و کارشناسان سیاست خارجی می‌گویند که مذاکراتی که قرار است در نزدیکی شهر «لوسرن» سوئیس برگزار شود که به احتمال زیاد روی ایجاد اجماعی در مورد چگونگی کاهش خطرات ناشی از حمله مسکو به اوکراین متمرکز است. در واقع اگر مکرون برای مطرح کردن خود به چنین نتیجه‌گیری رسیده باشد، ممکن است این تصمیم در



برخی

سناریوها هم

احتمال از

آن دارد که

موضع‌گیری

امانوئل

مکرون

با برخی

کشورهای

دیگر دال بر

اعزام نیرو،

صرفاً یک

موضع‌گیری

دیپلماتیک با

هدف تغییر

موازنه در

برابر مسکو

است